



بعضی از نویسندگان مذهبی نویس هم از نبودن داستان درست و حسابی درباره امام رضا^(ع) شاکی هستند

داستان مورد نظر موجود نمی باشد

هشتمین تصویر در آینه

زهرا صالحی

رمان و مجموعه داستان در زمینه امام رضا^(ع) آن قدر کم است که وقتی از چند نفر از نویسندگان متعهد و مذهبی نویس خواستیم چند نمونه بر تر این داستان ها را به ما معرفی کنند، تقریبا جواب همه شان یک چیز بود؛ «**کتاب خاصی به ذهنم نمی رسد**». البته این سکوت و سکون ادبی درباره گروه سنی بزرگسالان اتفاق افتاده و ما در رده کودک و نوجوان نمونه های خوبی داریم.

«تا جایی که ذهنم یاری می کند، نه، نداریم.» این را فیروز زنوزی جلالی در جواب سؤالمان درباره کتاب داستان درباره امام هشتم^(ع) می گوید. زنوزی بعد از چند دقیقه دو فضایی کاملا متفاوت از این جنس «نیازمند» آبرومند» و «لوطی گری» هر داستان ها دارد. داستان «نیازمند، آبرومند» درباره عروس و دامادی است که برای ماه عسل به مشهد می روند. پول شان تمام می شود و به مشکل می خوردن ... سید مهدی شجاعی تا یک ماه دیگر هم ترجمه جدیدی از زیارت امام رضا^(ع) را وارد بازار نشر می کند

مثل کتاب «ریشه در اعماق» که پایان بندی داستان در حرم امام رضا^(ع) می گذرد اما کتابی که کلا داستانش به این موضوع اختصاص داشته باشد، در خاطر م نیست». زنوزی معتقد است لازمه یا گذاشتن در ادبیات مذهبی عبور از حریم هایی است که خیلی ظریفند و همه

نمی توانند از آن بگذرند و به این دلیل هم کمتر کسی خودش را به دردسر می اندازد تا برود دنبال نوشتن چنین داستان هایی. زنوزی می گوید: «ادبیات مذهبی باید آسیب شناسی شود تا ما داستان نویس ها بتوانیم مشکل کجاست و به آن بپردازیم». سید مهدی شجاعی که در مجموعه داستان «سری که درد می کند» چند داستان درباره امام رضا^(ع) نوشته است، نظری مشابه زنوزی دارد. او می گوید: «نه تنها درباره امام رضا^(ع) بلکه درباره هیچ امام

دیگری آن گونه که شایسته است، اثر شاخص ادبیاتی نوشته نشده است».

سید مهدی شجاعی کتاب «سری که درد می کند» را با دو داستان کوتاه درباره امام رضا^(ع) شروع می کند. داستان های «نیازمند، آبرومند» و «لوطی گری» هر دو فضایی کاملا متفاوت از این جنس داستان ها دارند. داستان «نیازمند، آبرومند» درباره عروس و دامادی است که برای ماه عسل به مشهد می روند. پول شان تمام می شود و به مشکل می خوردن تا اینکه عروس در خواب می بیند که امام به او وعده می دهد

که دم ازان به حرم برود و مشکل اش حل می شود...

اما ماجرا به همین راحتی نیست و داستان گره های خوبی دارد؛ گره هایی که تو را آخر می کشانند. داستان «لوطی گری» داستان متفاوتی است درباره هفت، هشت تا لوطی درب و داغان که هوس می کنند بروند مشهد. اما یکی از لوطی ها بی خیال این جمع می شود و تصمیم می گیرد خودش تنهایی به مشهد برود. و خب تنهایی سفر رفتن همان و ماجراهای عجیب هم همان.

خبر خوبی که سید مهدی شجاعی بهمان داد انتشار ترجمه خودشان از زیارت امام رضا^(ع) است. جناب نویسنده از اذن دخول حرم امام را گرفته تا زیارت نامه و نماز و صلوات مخصوص و داغ را ترجمه کرده است. کتاب قرار است تا یک ماه آینده هم وارد بازار کتاب شود و هم در خود حرم پخش شود.

مجید قیصری که کتاب های «شماش شامی»، «گوساله سرگردان»، «باغ تلو» و چند مجموعه داستان دیگر را از او خوانده ایم، معتقد است که تا به حال برای مخاطب جوان کار «خلاقه»ای در ادبیات داستانی با موضوع امام رضا^(ع) نشده است و داستان های موجود در بازار کتاب بیشتر «بازنویسی» هستند.

او می گوید: «این سبک نوشتن آن قدر تکراری است که مخاطب آن چنانی ای ندارد اما موجی به راه افتاده که با بر گزاری نمایشگاه ها و محافل ادبی کمک می کند که به این موضوع بیشتر پرداخته شود».

مجید ملامحمدی هم که نویسنده دو کتاب «ماه غریب من» و «دوست مهربان کیوترها» در حوزه کودک و نوجوان است، عقیده دارد در ادبیات کودک دو، سه کتاب خواندنی بیشتر نداریم و در رده نوجوان هم کار زیادی نشده است.

او کتاب های «رضا رضا» نوشته قریبا کلهر و «خوشبوتر از گلاب» شکوه قاسم نیا را کتاب های برتر در رده سنی نوجوان می داند و می گوید: «وقتی با کتاب های بیشتر و بهتری در این سبک و سیاق روبه رو می شویم که مراکزی مثل آستان قدس رضوی که مربوط به خود حضرت است، سرمایه گذاری درست و حسابی انجام بدهند و با نویسندگان تعامل بیشتری داشته باشند. آنها باید منابع مورد نیاز را در اختیار نویسندگان بگذارند و حمایت های مادی و معنوی بیشتری از نویسندگان کنند».

داود غفارزادگان که درباره معصومین داستان های زیادی نوشته، می گوید: «علت کمبود کتاب های داستان رضوی این است که نویسندگان دغدغه نوشتن این موضوع را ندارند». البته او بر خلاف مجید ملامحمدی معتقد است به همان میزان که برای بزرگسالان کتاب داستان خوب با موضوع امام رضا^(ع) کم نوشته شده، برای کودکان و نوجوانان کارهای خوبی انجام شده است.

غفارزادگان هم شکوه قاسم نیا و رمان «خوشبوتر از گلاب» او را مثال می زند و عقیده دارد نمونه خوبی است؛ نمونه ای که حالا در نبود داستان خواندنی برای ما آدم بزرگ ها توصیه می کند که ما هم آن را حتما بخوانیم.

بخش هایی از دو کتاب خواندنی درباره امام رضا^(ع)

در آرزوی بوسیدن چوبه دری

نمونه ای جمع و جور از نثر و داستان هایی را که قرار است در این کتاب ها بخوانید، برای تان آورده ایم؛ نمونه هایی که کمک می کنند تا از فضای داستان ها سر در بیاورید.

زائر متفاوت

سری که درد می کند /سید مهدی شجاعی

اسم گروه مان را گذاشته ایم هشل – هفت، برای این که جمعا هشت نفر بودیم. ولی اغلب اوقات یکی مان به یک دلیل غایب است و همیشه جمع مان در برنخ بین هفت و هشت تلو می خورد. بیشتر بودیم، حدود بیست نفر بودیم. ولی طی سالیان سال و گذر حوادث بچه ها یکی یکی آب رفتند و همین هشت

نفر ماندیم... تنها چیزی که ما را به هم پیوند می دهد رعایت آداب رفاقت و رسم و رسومات الواطی است... به قول ابرج: کسی که سیبیل ماستی شو یا آستر پای کتتش پاک می کنه، لوطی نیست، جاهله. لوطی باید تو همه کار مرام داشته باشه. بگذریم، قرار ما یعنی گروه هشل – هفت این است که هر دو سه هفته یکی بار می زнім بیرون و یک جای با صفا اتراق می کنیم... اگر بخواهم قصه را از اول اول تعریف کنم این می شود، که صبح روز شنبه ای هوشنگ تلفن زد که: مراسم این هفته مشهد، هم زیارت آقا هم عشق و صفا. گفتیم: من یکی نیستم، با تعجب پرسید:ا!... واسه چی؟ فکر کردم ذوق مرگ می شی از این خبر. گفتیم:بین! من تو رفاقت هیچ جا کم نیاوردم. یا به پای همه آدمم. گاهی وقت ها هم چند قدم جلوتر ولی حرمت آقا رو باهاس نگه داشت. گفت: زبونم لال، رو م به دیغال، کی خواست بی حرمتی کنه به آقا؟ گفتیم: عزت زیاد، دست حق پشت و پناه. و گوشه را گذاشتم...

در فهرست انتظار، تنها من بودم و در هواپیما فقط یک جای خالی که

انگار برای من گذاشته شده بود.

می دانم که فهم این قضایا و باورش برای آدم ها کار آسانی نیست ولی من چه کار دارم به باور آدم ها؛ من دارم شیرین ترین لحظات زندگی خودم را مرور و مززمه می کنم. تا مشهد تمام مدت، تصویر آقا جلوی چشمم بود و صدای آقا در گوشم. به تاکسی گفتیم: حرم! و سوار شدم. راننده بعد از خوش و بش و احوالپرسی گفت: «حالا چرا راه به راه حرم؟ نمی خوایی اول استقراری پیدا کنی و خستگی ای از تن بگیری و غسل و وضویی و بعد...».

گفتم: «نه، بی تاب تر از اونم که بتونم یه جا بند شسم. در ثانی آدم تا با صاحبخونه حال و احوال نکرده و رخصت نگرفته که نمی ره تو خونه طرف لنگر بندازه». راننده تاکسی گفت: «درسته حرف و مرامت».

و بعد، سر درد دلش یاد شد و تعریف کرد که چه مشکلاتی داشته و آقا چه لطف هایی در حق او کرده و او هم به عوض یا جبران یا تشکر، نذر کرده و لوا مسافران فرودگاه را تا حرم مجانی ببرد و ثابیا هر سال، یک زائر آقا را هم در خانه خودش مهمان کند و از آقا هم خواسته که آن مهمان را خودش به نوعی معرفی کند و دست آخر رسید به اینجا که دیشب آقا را در خواب دیده و مرا که آقا به عنوان مهمان به او معرفی کرده، به اینجا که رسید، بغض هر دو مان ترکیب و زدیم زیر گریه و برای ارین همه آقایی آقا گریه کردیم. من که تا خود حرم ودر خود حرم ودر راه برگشت از حرم هم اشکم بند نیامد. فقط به آقا می گفتم: «شما کجا و ما کجا؟! من لات بی سروپا رو چه قابل به این همه محبت!؟».

زیارت دلچسبی شد. همیشه آقا رو دوست داشتم ولی هیچ وقت این طوری خودم رو زیر سایه اش حس نکرده بودم.



چند نمونه کتاب داستان خواندنی با موضوع امام رضا^(ع)

این کتاب ها را به خاطر بسپار

اینها چند کتاب داستان خوب درباره امام هشتم^(ع)

هستند؛ داستان هایی که غیر از زندگینامه ای که همه ما درباره آن امام می دانیم، چیز تازه ای به مان نمی گویند اما این کتاب ها به لحاظ داستانی، نثر و فضا سازی، بیشتر حال و هوای داستان را دارند.

ماه غریب من

مجید ملامحمدی یک کتاب داستان آبرومند در رده نوجوانان درباره زندگی امام رضا^(ع) نوشته است. کتاب در چهار فصل و چندین بخش زندگی ایشان را به صورت چندین داستاتک تعریف می کند اما تفاوتش با دیگر کتاب های این حوزه، گرافیک متفاوتی است که از روی جلد تا تک صفحه ها دارد. جنس کاغذ و رنگ و روی طرح ها هم طوری هستند که فکر می کنید دارید یک کتاب قدیمی را ورق می زنید.

مهمان طوس

«نام من بشیر است. من ۱۴ساله ام و در شهر مرو زندگی می کنم. شهر ما آن قدرها مهم و بزرگ نبود ولی از روزی که مامون – خلیفه عباسی – به مرو آمد، روز به روز بر اهمیت آن اضافه می شود...»؛ این سطور،

بخشی از کتاب جذاب «مهمان طوس» است. از همین چند خط پیداست که محمدعلی دهقانی برای فهماندن داستان به نوجوانان دست به کار خلاقانه ای زده و داستانی امروزی را در دل گذشته تعریف کرده است.

مسافر غریب

مجموعه ۱۲ داستان کوتاه از زندگی امام رضا^(ع) است که چهار داستان آن مربوط به دوران زندگی امام در خراسان و بقیه، قصه های امام و مردم در مدینه است. این کتاب اگر چه جزو کتاب های داستانی خوب برای نوجوانان

است و تصویر سازی مرتضی آرمین، آن را کمی متفاوت تر از بقیه آثار کرده اما توصیفات زیاد و تعبیر های نابجا باعث شده آن چنان که باید، قابل تامل نباشد. «مسافر غریب» را مسلم ناصری نوشته و انتشارات پیام آزادی آن را منتشر کرده است.

ستاره من

«مردی از اهالی خراسان به امام رضا^(ع) گفت پیامبر را در خواب دیدم. ایشان فرمود ستاره من در خاک شما غروب می کند. امام رضا^(ع) فرمود: من ستاره او هستم.» اینها اولین جمله هایی هستند که از کتاب «ستاره من» ناصر نادری می خوانید؛ کتابی که ۴۰ قصه خیلی کوتاه از زندگی امام رضا^(ع) دارد و می شود یکساعته همه اش را خواند.

عشق هشتم

این کتاب، داستان زندگی امام رضا^(ع) و حضرت معصومه^(س) را تعریف می کند؛ داستانی که در نخستین دوره انتخابات کتاب سال رضوی رتبه اول را از آن خودش کرده است. «عشق هشتم» نثری آهنگین دار.


 محمدرضا زائری دل نوشته هایش را در کتاب «صافن اهو» جمع کرده است؛ دل نوشته هایی که بیشتر در مدح و ستایش امام رضا^(ع) هستند